



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۳ / ذوالقعدة الحرام / ۱۴۴۵هـ، ق موافق ۱۱ / جوزا / ۱۴۰۳هـ، ش

## حالات زندگی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله

الحمد لله رب العالمين إله الأولين والآخرين خالق الخلق أجمعين ومفضل بعضهم على بعض في العقل والدين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد الأمين و على آله واصحابه اجمعين الى يوم الدين ، أما بعد:

عن معاوية - رضي الله عنه - قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : « مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُعَفِّهِ فِي الدِّينِ ». متفقٌ عَلَيْهِ

و عن أَبِي الدَّرْدَاءِ - رضي الله عنه -، قَالَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: « إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِيْنَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ ». سنن الترمذي (۴۸ / ۵) وذكره البخاري معلقا.

یکی از جمله انعامات و احسانات الله جل جلاله بالای این امت ، موجودیت علماء وفقها است.

علماء وفقهاء در تبلیغ علم و ارثان انبیاء اند، این علماء اند که علم و تعلیمات انبیاء و رسولان را به امت می رسانند که بعد از وفات ایشان وظیفه آنها را انجام میدهند. اگر علماء نمی بود، پیامها و احکامات الله متعال بعد از چند مدت فراموش شده و از یاد مردم فراموش می شد. همین علماء وفقهاء اند که سلسله دین را حفاظت میکنند و بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و سلم پیغام الهی را از یک قرن به قرن دیگر انتقال میدهند؛ امادر این کار کردار بزرگ از آن علماء وفقها است که پیامهای الهی و تعلیمات دینی را از رسول الله صلی الله علیه و سلم گرفته اند (صحابه کرام) و آنها (صحابه کرام) این اوامر الهی را بعد از فراگیری به دیگر علماء (تابعین) انتقال داده اند، و بعدا تابعین آن امانت الهی را بعد از خود به علمای آینده تبع تابعین (سلسلتاً انتقال داده اند). (و بعد از آن علماء وفقهای (تبع تابعین) احکامات و پیامهای الهی را سلسلتاً به امت رسانده اند که تا زمانه ما این سلسله جاری است. از این جهت این سه طبقه علماء وفقها در اسلام از مقام و فضیلت خاص برخوردار اند و رسول الله صلی الله علیه و سلم در این باره چنین فرموده است: « خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ » صحیح مسلم (۱۹۶۳ / ۴)

بهترین مردم در زمانه من است (یعنی صحابه کرام، بعد از آن بهترین مردم کسانی اند که بعد از اینها می آیند یعنی تابعین) سپس آن مردمی بهتر اند که بعد از اینها می آیند یعنی (تبع تابعین).

که امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله از جمله این مردم بهتر و پسندیده است که احکامات و تعلیمات رسول الله صلی الله علیه وسلم را به امت رسانده است و بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم علم و دانش اصحاب کرام را هو به هو به امت رسانده است. علاوه بر آن؛ عده ای از مسائل شرعی را به امت بیان کرده اند که در قرآن و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم به طور مفصل و واضح حکم آن واضح بیان نشده است.

### **تولد امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله:**

نام اصلی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله نعمان و نام پدر ایشان ثابت و نام پدر کلان ایشان زوطی و نام جد ایشان مرزبان بود که در سال (۸۰) هجری در کوفه تولد شده است و در سال (۱۵۰) هجری وفات یافته است، و قبر ایشان در بغداد در شهر اعظمیه شهرت جهانی دارد.

بعضی مؤرخین مینویسند: که اجداد امام ابو حنیفه رحمه الله از کابل از منطقه پروان و از قریه خواجه سیاران و یا استرغج بودند که از منطقه پروان کابل به کوفه رفته اند.

خطیب بغدادی نواسه امام اعظم به حواله عمر ابن حماد مینویسد: (عن عمر بن حماد بن ابي حنیفة قال أبو حنیفة النعمان بن ثابت بن زوطي فاما زوطي فإنه من أهل کابل وولد ثابت علی الإسلام وکان زوطي مملوكا لبني تيمم الله بن ثعلبة فاعتق فولأوه لبني تيمم الله بن ثعلبة). تاریخ بغداد (۱۳ / ۳۲۴) عمر بن حماد بن ابي حنیفه در باره نسب پدر کلان خود میگوید که ابو حنیفه نعمان بن ثابت بن زوطی بود و او باشنده کابل بود و ثابت در عصر اسلام پیدا شده است و زوطی غلام بنی تيمم الله بن ثعلبه بود و بنی تيمم الله بن ثعلبه او را آزاد کرد پس ولاء عتافت برای بنی تيمم الله ثابت است.

در روایت دیگری آمده است که اجداد امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله غلام کسی نبودند. ابوبکر خطیب در تاریخ بغداد که اسماعیل پسر حماد و از نواسه امام اعظم نقل کرده است: (ما وقع علينا رق قط ولد جدي في سنة ثمانين وذهب ثابت إلى علي بن ابي طالب وهو صغير فدعا له بالبركة فيه وفي ذريته ونحن نرجوا من الله أن يكون قد استجاب الله ذلك لعلي بن ابي طالب فينا) تاریخ بغداد (۱۳ / ۳۲۶)

در خانواده ما هیچ وقت غلامی سپری نشده است، پدر کلان من در سال ۸۰ تولد شده و پدر کلان من (ثابت) در طفولیت به نزد حضرت علی ابن ابی طالب رضی الله عنه برده شده است و حضرت علی رضی الله عنه برای او و او لاده ای او دعای برکت کرده است ما از الله تعالی امید وار هستیم که الله تعالی دعای حضرت علی رضی الله عنه را در باره ما قبول کرده باشد.

### **تعلیمات ابتدائی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله:**

امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله در کوفه در یک خانواده ثروتمند و تاجر دنیا آمده است، خانواده او تجارت ابریشم را می کرد و قتیکه امام ابو حنیفه رحمه الله بزرگ شد او هم به تجارت و سودا گری ابریشم روی آورد. امام ابو حنیفه رحمه الله در عمر کم قرآن کریم را حفظ کرده بود و قرآن کریم را از امام عاصم رحمه الله یاد کرده بود.

خود امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله در باره تعلیمات خود میگوید: یک روز امام شعبی رحمه الله نشست به من از کنار او عبور کردم، من را طلب کرد و برایم گفت: به نزد کی میروی؟ من برای او گفتم: من به بازار می روم او گفت: مقصد من بازار نبود بلکه مطلب من این بود که به نزد کدام عالم میروی؟ من نزد دانشمندان کم میروم، برایم گفت: اینطور مکن من در تو استعداد خاصی می بینم، بخاطر بدست آوردن علم و همنشینی با علماء فکر کن. امام ابو حنیفه رحمه الله میگوید: که سخن امام شعبی رحمه الله در قلب من تاثیر کرد و رفتن بازار را ترک کردم، فوراً بخاطر بدست آوردن علم شروع کردم.

## مقام و منزلت امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

ما امروز در باره شخصیتی صحبت میکنیم که اگر در هر بخش زندگی او به هزاران ورق نوشته شود باز هم کم است وحق او اداء نمیشود.

کسیکه در دوران عباسی ها در قلمرو امپراتوری اسلامی به اساس فقه او فیصله میشد، کسی است که در دوران خلافت عثمانی تمام خلافت پیروان مذهب حنفی بود، از آسیا تا بعضی قسمت های افریقا وحتی تا قفقاز وچین مردم پیروان مذهب او بودند و امروز هم در جهان نسبت به دیگر مذاهب (۶۰) فیصد پیروان فقهی مذهب او اند.

تمام تاریخ دانان میگویند: که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله از جمله اکابر تابعین بود، زیرا که در زمان او اصحاب ذیل زنده بودند: از آنجمله اصحاب کرام که با بعضی ایشان ملاقات نموده است: حضرت انس بن مالک المتوفی س ۹۳ هـ، حضرت عمرو بن حرث المتوفی س ۸۵ هـ، حضرت ابوظفیل عامر بن واثله المتوفی س ۱۰۲ هـ، حضرت السائب بن یزید المتوفی س ۹۹ هـ، حضرت محمود بن الربیع المتوفی س ۹۹ هـ. عبدالله بن ابی اوفی المتوفی سن ۸۶ هـ. عمرو بن حارث، عبد الله بن الرئیس.

که به گفته حافظ ابن حجر عسقلانی که اینطور منصب تابعیت به دیگر عالم نصیب نشده است کسانی معاصر او بودند، مانند: اوزاعی درشام، مالک ابن انس در مدینه، سفیان ثوری در کوفه، مسلم ابن خالد درمکه لیث بن سعد در مصر. [تبیيض الصحیفة ص: ۶]

پس امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله از جمله اکابر تابعین بود و زمانه تابعین بهترین زمانه بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره آن فرموده است: (إِنَّ خَيْرَكُمْ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ..). صحیح مسلم

ترجمه:- بهترین شما مردمی است که در زمانه من اند، سپس کسانی بهتر اند که بعد از آنها می آیند یعنی تابعین)، سپس کسانی بهتر اند که بعد از (تابعین) می آیند یعنی (تبع تابعین).

امام سیوطی مصداق این حدیث صحیح: { لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسَ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ } را ابوحنیفه میدانند

و میگوید که در این حدیث به فضیلت امام ابوحنیفه اشاره شده است. رد المحتار (۱/ ۱۳۰)

شیخ الحدیث علامه خلیل احمد سهارنپوری میگوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن حدیث که ابو نعیم در الحلیه از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند بشارت داده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسَ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ). حلیة الأولیاء

ترجمه:- اگر علم در ستاره ثریا بسته شده باشد، مردانی خود را به آن می رسانند که از ابناء فارس اند.

در این شک نیست که مراد از این امام ابوحنیفه است زیرا که این رأی اکثر محدثین است که در این حدیث خوشخبری داده شده در باره امام ابوحنیفه رحمه الله .. (مسلم: ۳۱۲/۲، باب فضل الناس) (بخاری شریف: ص/ ۷۲۷ تفسیر سورة الجمعة باب قوله آخرین منهم لما يلحقوا بهم).

در یک روایت آمده است: (عن هشام بن مهران يقول: رأى أبو حنيفة في النوم كأنه ينبش قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم، فبعث من سأل له مُحَمَّد بن سيرين، فقال مُحَمَّد بن سيرين: من صاحب هذه الرؤيا؟ فلم يجبه عنها

ثم سأله الثانية، فقال مثل ذلك، ثم سأله الثالثة فقال: صاحب هذه الرؤيا يثير علما لم يسبقه إليه أحد قبله). تاريخ بغداد وذيوله ط العلمية (٣٣٥ / ١٣)

ترجمه:- هشام بن مهران رحمه الله ميگويد: كه امام ابوحنيفه رحمه الله خواب ديده كه قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم را باز ميكند

شخصی را به نزد امام ابن سيرين رحمه الله فرستاد كه از او در باره تعبیر این خواب پرسد؛ محمد ابن سيرين از آن شخص پرسید كه این خواب بيننده كيست؟ او برايش جواب نداد، سپس پرسید كه صاحب این خواب كيست؟ باز برايش جواب نداد سومين بار پرسید؟

سپس محمد ابن سيرين رحمه الله گفت: این خواب بيننده طوری علم را پخش ميكند كه ديگر مردم از او سبقت كرده نمیتوانند.

### اساتيد و شاگردان امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله:

اساتيد امام ابو حنيفه رحمه الله بسيار زياد اند كه علامه ذهبی شمار آنها را (٢٩٠) شمرده است و علامه شامی در رد المحتار (٤٠٠٠) گفته است كه بعضی نامهای ایشان قرار ذيل است: عبدالله بن اوفي رضي الله عنه، عطاء بن ابي رباح، قتادة المفسر، لشعبي، حماد بن ابي سليمان، عمرو بن دينار، عبدالله بن دينار، وابن شهاب الزهري، ومحمد بن المنكدر، أبو إسحاق السبيعي، أبو جعفر الباقر، القاسم بن عبدالرحمن بن عبدالله بن مسعود، مسلمة بن كهيل، عون بن عبدالله، سماك بن حرب، عمرو بن مره، عدي بن ثابت الانصاري، عطاء بن سائب، موسى ابن ابي عائشه، علقمه بن مرشد. [سير أعلام النبلاء ٦/٣٩١]

علامه محمد بن يوسف الصالحى الشافعى هم شمار استادان امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله (٤٠٠٠) شمرده است و گفته اين همه تابعين بودند. [عقود الجمان ص: ١٨٣]

در جمله استادان امام ابو حنيفه رحمه الله محدثين، مفسرين، مؤرخين، لغويين موجود بود زيرا كوفه مركز فنون لسان عربى بودند، زيرا كه امام ابوحنيفه وقت زيادى را در كوفه سپرى كرده بود وكوفه مركز علوم مختلف بود مانند: صرف، نحو، لغت، معانى، فقه و اصول فقه. [شناخت مختصر امام اعظم رحمة الله عليه، مولانا عاشق الهى ص: ٩]

امام محمد بن ادریس شافعی از شاگردان شاگرد امام ابوحنيفه رحمه الله بود. امام ذهبی در ترجمه امام شافعی رحمه الله مینوسد:

( ويغداد عن: محمد بن الحسن، فقيه العراق، ولازمه، وحمل عنه وقر بعير). سير أعلام النبلاء (٧ / ١٠)

و در بغداد علم را از محمد ابن حسن و فقيه عراق فراگرفت و با او يكجا شده و از او به اندازه كوهان شتر علم را بدست آورد.

همچنان امام أحمد بن حنبل رحمه الله شاگرد امام قاضي ابي يوسف رحمه الله و شاگرد امام شافعى بود.

اگر كتب علم الرجال، استاتيد محدثين و سلسله شاگردان درست مطالعه شود، می بينيم كه استادان بزرگ اين محدثين كه در بين سالهای (٨٠) هجرى و يا (١٥٠) هجرى وفات شده اند، اينها يا استادان امام ابو حنيفه رحمه الله بودند و يا شاگردان او؛ و يا اينطور معاصر او بودند كه به علميت، فقاها و امامت او معترف بودند، اكثرأ استادان امام بخارى، امام مسلم و استادان ديگر محدثين مشهور دو و يا سه دوره قبل شاگردان امام ابوحنيفه رحمه الله بودند. و اين دور از تعصب نيست كه شخصى بگويد كه فلانى محدث نسبت به امام ابو حنيفه در احاديث خوب دانا بود.

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله هم محدث بود و هم فقیه؛ فقیه بودن نسبت به تنها محدث بودن بهتر است و به این سخن محدثین بزرگ اعتراف کرده اند. ابوبکر خطیب بغدادی در الفقیه والمتفقہ ذکر کرده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الْأَعْمَشِ وَهُوَ يَسْأَلُ أَبَا حَنِيفَةَ عَنْ مَسَائِلَ , وَيُجِيبُهُ أَبُو حَنِيفَةَ , فَيَقُولُ لَهُ الْأَعْمَشُ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا؟ فَيَقُولُ: أَنْتَ حَدَّثْتَنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بِكَذَا , وَحَدَّثْتَنَا عَنِ الشَّعْبِيِّ بِكَذَا , قَالَ: فَكَانَ الْأَعْمَشُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُ: «يَا مَعْشَرَ الْفُقَهَاءِ أَنْتُمْ الْأَطْيَاءُ وَنَحْنُ الصَّيَادِلَةُ» . الفقیه والمتفقہ للخطیب البغدادی (۱۶۳/۲)

از عبيدالله بن عمرو روایت است او میگوید: ما به همراهی امام اعمش بودیم و او از امام ابوحنیفه رحمه الله در باره چند مسئله پرسید و امام ابوحنیفه رحمه الله به او جواب میداد. اعمش به او گفت: که جواب این سخن را از کجا کرده ای؟ امام ابوحنیفه رحمه الله برایش گفت: تو به من حدیث را از ابراهیم النخعی اینطور بیان کردی و از امام شعبی رحمه الله حدیث اینطور بیان کردی، عبيدالله راوی میگوید در این اثنا امام اعمش گفت: ای جماعت فقها! شما طبیبان هستی و ما دوا ساز.

این سخن واضح است که طبیب دو صفت دارد؛ یک تشخیص مرض که مرض را می شناسد و دیگر اینکه دوا را هم می شناسد. و دوا ساز تنها دواسازی را میداند.

دیگر اینکه در حدیث شریف فضیلت فقیه بیان شده است. « مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ » . متفق علیه . به کسی که الله تعالی اراده خیر را بکند، او را فقاہت در دین نصیب میکند.

امام ذهبی رحمه الله در ترجمه او میگوید: (أبو حنيفة الامام ، فقيه الملة، عالم العراق، أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطى التيمي، الكوفي.... وعني بطلب الآثار، وارتحل في ذلك، وأما الفقه والتدقيق في الرأى وغوامضه، فإليه المنتهى والناس عليه عيال في ذلك). سير أعلام النبلاء (۳۹۲/۶)

امام ابوحنیفه - رحمه الله - فقیه امام این امت، عالم عراق نعمان ابن ثابت بن زوطی تیمی کوفی... بسیار کوشش میکرد در طلب احادیث و بخاطر بدست آوردن احادیث سفرهای کرده. اما فقه و تدقیق در اجتهاد، غوامض و باریکی های فقه او در مقام انتها رسیده است و مردم در فقه با او تابع اند.

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله تقریباً ۵۲ - ۵۵ مرتبه به مکه مکرمه و مدینه منوره سفر کرده، کسی از او پرسید که شما چرا اینقدر زیاد حج میکنید؟ او در جواب گفت: هدف من تنها حج کردن نیست؛ بلکه من میخواهم علمائیکه از مصر- و شام و دیگر مناطق به مکه و مدینه منوره می آیند با آنها نشست و برخاست داشته باشم و با آنها صحبت کرده تا اینکه به من تمام احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم برسد.

دیگر اینکه از (۱۰۰) بدین طرف تمام مجتهدین دنیا به فقاہت و اجتهاد مطلق او اعتراف میکنند که فقه تشریح و ثمره کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، پس کسیکه میگوید: که امام ابوحنیفه رحمه الله به احادیث نمیدانست و یا احادیث به او نرسیده این چنین شخص را جز جاهل و یا متعصب چیزی دیگری گفته نمیتوانیم و کسانی که میگویند که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله محدث نبود این سخن به جهالت آنها دلالت میکند.

در زمان امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله که زمان تابعین بود و احادیث به سینه ها حفاظت میشد و در کتابچه ها نوشته نمیشد، بسیار کم مردم بودند که حافظه ضعیف داشتند و احادیث را از طریق نوشتن جمع آوری میکردند و یا بخاطر این مینوشتند که ضایع نشود، آنده علمائیکه احادیث را حفظ داشتند آنها فقها هم بودند مانند: امام مالک، امام سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، امام شافعی، احمد بن حنبل، ابن جریج، عبدالرزاق، معمر یمنی و غیره...

وقتی که سده دوم و سوم شروع شد نوشتن احادیث عام شد و محدثین بعدی احادیث را به طریقه های مختلف نوشته کردند مانند: مصنفات، مسانید، جوامع، سنن، مستخرجات و زوائد.

و کدام علمائیکه احادیث را کم نوشته کرده اند، علت آن این است که آنها در استخراج و استنباط مسائل فقهی مصروف بودند مانند: امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله، امام مالک رحمه الله، امام شافعی رحمه الله، طریقه در بین بزرگان صحابه ابو بکر صدیق رضی الله عنه، عمر بن الخطاب رضی الله عنه جمیعاً کم احادیث روایت شده است زیرا که آنها در غزوات و مسائل امت مصروف بودند، و به این معنی این نیست که آنها به احادیث معلومات نداشتند.

با وجود این هم از امام ابوحنیفه احادیث زیادی روایت شده است و دلیل آشکار آن کتابهای است مانند: کتاب الآثار است؛ که تمام مسانید امام اعظم ابوحنیفه را امام خوارزمی در جامع المسانید جمع کرده است که همه آن (۱۵) مسانید است.

علامه ابن موافق مکی از حافظ ابو یحیی زکریا بن یحیی نیشاپوری به حواله مناقب ابوحنیفه از یحیی بن نصر این قول را نقل کرده که من از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیده ام که فرمودند: که به نزد من صندوق های زیاد از احادیث است، اندکی آنها را بیرون کردم که از آن فایده گرفته میشود.

امام زبیدی در کتاب خود "عقود الجواهر المنیفة" از یحیی ابن نصر این قول را نقل کرده او میگوید که من یکبار به نزد امام صاحب رفته در حالیکه اتاق او از کتابها پر بود، پرسیدم که اینها چیست؟ امام صاحب جواب داد که این کتب احادیث است.

وجه دیگر اینکه از امام ابوحنیفه رحمه الله احادیث کم روایت شده است، بخاطر اینکه منهد امام ابوحنیفه رحمه الله در بخش روایت حدیث خیلی سخت بود، امام ابوحنیفه رحمه الله در روایت و نقل احادیث شرایط سختی داشت، و آن اینکه هر کسی که حدیث را روایت میکند باید او از وقت حفظ کردن تا وقت اداء در آن هیچ نوع سهو و نسیان نکند. شرح مسند أبي حنيفة لملا علي القاري (ص: ۴)

ملا علي القاري رحمه الله از امام ابوحنیفه رحمه الله در شرح مسند در جهت استدلال به احادیث؛ (۱۱) یازده شرائط و اصول امام ابوحنیفه را بیان کرده است. شرح مسند أبي حنيفة (ص: ۳)

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در باره احادیث بسیار محتاط بودند، ایشان در مورد احادیث قوی، ضعیف، مشهور، آحاد اینرا هم میدیدند که آخرین امر پیامبر صلی الله علیه وسلم که از دنیا رحلت کردند چه بود و یا اینکه در این مسئله آخرین عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم کدام بود؟

سند عالی امام ابوحنیفه رحمه الله آحادی و یا وحدانیات است. سبحان الله! وحدانیاتیکه امام خوارزمی در جامع المسانید از امام صاحب نقل کرده است. در روی زمین دیگر اینطور محدثی وجود ندارد که نزد او سند آحادی موجود باشد، این افتخار و اعزاز را الله تعالی تنها به امام ابوحنیفه رحمه الله داده است.

سند عالی دیگر محدثین ثلاثیات است تنها از امام صاحب مالک سند عالی ثنائیات است، دیگر هر قدر محدثین و کتاب های ایشان سند عالی ثلاثیات است. به طور مختصر برایت بگویم: امام شافعی، امام احمد بن حنبل، امام بخاری، امام مسلم، امام ترمذی، امام ابوداؤد، امام نسائی، امام ابن ماجه، امام ابوداؤد الطیالسی، امام عبد بن حمید، امام دارمی و امام طبرانی سند عالی تمام اینها همان ثلاثیات است. در بین تمام محدثین تنها از برای امام مالک صاحب این فوقیت حاصل است که به نزد او ثنائیات است.

علامه الذهبی امام صاحب را در جمله حفاظ محدثین شمرده است و در طبقات الحفاظ زیاد صفت او را ذکر کرده است. امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله مانند سائر محدثین در جرح و تعدیل از جمله امامان نخست است. امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله میگوید که از ابو اسحاق روایت را نگیرید، زیرا که او از حارث نقل میکند و محدثین این قول او را قبول کردند و میگویند که از او روایت را نگیرید. امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در باره زید ابن عیاش میگوید: که او مجهول است، همچنان امام بخاری، امام مسلم، ابن عبد البر مالکی، ابن حزم ظاهری، امام طحاوی هم از او روایت نکرده اند و به سخن امام صاحب عمل کرده اند. امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله میگوید: (عن أبي حنيفة قال ما رأيت أحدا أكذب من جابر الجعفي) تاریخ ابن معین - روایة الدوري (۳/ ۲۹۶)

من از جابر جعفی کرده زیاد تر دروغ گو را ندیده ام، دیگر محدثین هم جابر جعفی را ضعیف قرار میدهند.

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله شاگردان زیادی داشت که نامهای بعضی آنها قرار ذیل است:

أبو يوسف يعقوب بن إبراهيم، وأبو الهذيل زفر بن الهذيل العنبري، عالم خراسان إبراهيم بن طهمان، أبيض بن الأغر بن الصباح المنقري، أسد بن عمرو البجلي، إسماعيل بن يحيى الصيرفي، الحسن بن زياد اللؤلؤي، حفص بن عبد الرحمن القاضي، حماد بن أبي حنيفة، حمزة الزيات، داود الطائي، شعيب بن إسحاق الدمشقي، عبد الله بن المبارك، عبد الله بن يزيد المقرئ، محمد بن الحسن الشيباني، يوسف بن خالد السمتي وغيره... هر کدام شاگردان امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در وقت خود در فقه، حدیث، تفسیر، سیرت و مغازی، علم قرآنت و سائر علوم امامان بودند.

### نظریات فقهای بزرگ و محدثین در باره امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

فقهای بزرگ، مفسرین و محدثین هم عصر نامهای مختلفی را به امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله بکار می بردند: کسی او را رئیس الفقهاء میگفت و کسی او را فقیه الامت میگفت و کسی او را بنیان گذار فقه اسلامی میگفت.

بعضی آن محدثین و فقهایکه امام اعظم ابوحنیفه را توصیف کرده اند قرار ذیل است:

۱- امام شافعی رحمه الله میگفت: الناس في الفقه عيال على أبي حنيفة. مردم در فقه عیال ابوحنیفه رحمه الله اند. سیر أعلام النبلاء للذهبي ج ۶ ص ۴۰۳).

۲- امام مالک رح میگوید: اینطور شخصی را دیدم که یعنی امام ابوحنیفه رحمه الله اگر بگوید که این ستون از طلا است حتماً به دلیل آنرا ثابت میکند. (سیر أعلام النبلاء ج ۶ ص ۳۹۹).

۳- قال الخريبي: ما يقع في أبي حنيفة إلا حاسد أو جاهل. الخريبي میگوید: کسیکه از ابوحنیفه مخالفت میکند او یا کینه دارد و یا حسد میکند و یا جاهل است. (البدایة والنهاية لابن كثير ج ۱۰ ص ۱۱۰).

۴- از امام ابن مبارك کسی پرسید که مالک خیلی میفهمد و یا ابوحنیفه؟ اوگفت: ابوحنیفه نسبت به هر کس فهمیده است. (سیر أعلام النبلاء ج ۶ ص ۴۰۳).

۵- محدث بزرگ یحیی بن معین (۱۶۰ هـ) میگوید امام اعظم ثقه است ایشان آن حدیثی را بیان میکردند که آنرا حفظ داشتند و آن حدیثی را بیان نمی کردند که حفظ نمی داشتند و ایشان در حدیث ثقه بودند. (سیر أعلام النبلاء ج ۶ ص ۳۹۵)، تهذيب التهذيب (۳۳/ ۵۴)

- ۶- عبد الله بن شبرمه رح المتوفی: ۱۴۴ میگوید: که مادران عاجز اند که مانند امام صاحب شخص عبقری را بدینا بیاورند. الانتقاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء، لابن عبدالبر (ص: ۱۳۱)
- ۷- به زهیر بن معاویه رح المتوفی: ۱۷۴ یک کسی آمد که من از طرف امام اعظم آمده ام او برایش گفت: که با او یک روز را سپری کردن طوری است که بامن یکماه را سپری کنی. الانتقاء لابن عبدالبر (ص: ۱۳۴)
- ۸- روح بن عباد میگوید: که من به نزد ابن جریج بودم کسی برایش گفت که امام ابوحنیفه وفات شد، ابن جریج گفت: الله با او رحم کند همراه با او بسیار علم از دنیا رفت. الانتقاء لابن عبدالبر (ص: ۱۳۵)
- ۹- یحیی بن سعید قطان میگفت: ما به الله تعالی دروغ نمی گوئیم ما از نظر ابوحنیفه کرده دیگر نظر بهتر نمی بینیم ما به اکثر اقوال او عمل کرده ایم. (سیر أعلام النبلاء للذهبي ج ۶ ص ۴۰۲)، الانتقاء لابن عبدالبر (ص: ۱۳۲)
- ۱۰- حفص بن غیاث میگفت: سخن امام ابوحنیفه در فقه از تار موی کرده نازک تر است، عیب او را نمی گوید مگر شخص جاهل. (سیر أعلام النبلاء ج ۶ ص ۴۰۳).
- ۱۱- از امام اعمش رح کسی یک مسئله را پرسید؟ او در جواب گفت: به این مسئله نعمان ابن ثابت خوب میدانند من در باره او فکر میکنم که الله تعالی در علم او برکت انداخته است. (الانتقاء لابن عبدالبر ص ۱۲۶).
- ۱۲- علی بن عاصم رح میگوید: اگر علم امام ابوحنیفه با علم علمای هم عصر او وزن کرده شود، علم او بالای آنها زیادت میکند. (سیر أعلام النبلاء ج ۶ ص ۴۰۳).
- ۱۳- حسن بن صالح بن حی میگوید: نعمان بن ثابت عالم دانا و در علم خود شخص مثبت بود، وقتیکه به نزد او حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم پیدا میشد در پی چیزی دیگری نمی گشت. الانتقاء لابن عبدالبر (ص: ۱۲۸)
- ۱۴- امام اسرائیل بن یونس میگوید: که امام صاحب شخص بسیار خوب بود و آن روایاتی که به مسائل فقهی ارتباط دارد خوب یاد داشت.
- ۱۵- خارجه بن مصعب میگوید: من به هزاران علماء ملاقات کرده ام در بین همه آنها سه و یا چهار نفر صاحبان عقل زیاد پیدا کرده ام که در بین آن سه و یا چهار نفر امام ابوحنیفه را هم ذکر کرده است. تاریخ بغداد: ۳۶۴/۱۳.
- ۱۶- شباب بن سوار میگوید: که امام شعبه بن حجاج در باره امام ابوحنیفه رحمه الله نظر نیک داشتند. الانتقاء لابن عبدالبر (ص: ۱۲۶)
- ۱۷- یحیی بن معین میگوید: که من مانند وکیع ابن جراح علمی را ندیده ام او هم مطابق راه امام ابوحنیفه فتوا میداد. الانتقاء: لابن عبدالبر (ص: ۱۳۶)
- مداحان وصفت کنندگان امام ابوحنیفه رحمه الله هم محدثین بزرگ اند مانند: حماد بن ابی سلیمان المتوفی: ۱۲۰ هـ ، مسعر بن کدام رح، ایوب سختیانی رح، سلمان بن مهران، اعمش رح ، سفیان ثوری رح ، مغیره بن مقسم الضبی ، یحیی بن سعید القطان، ابن جریج مکی، امام محمد بن ادريس الشافعي، ابو عاصم النبیل، وغیره .. یعنی تعداد اینها به شصت و پنج میرسد که تنها امام ابن عبدالبر در (الانتقاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء) ذکر کرده است و خود امام ابن عبد البر مالکی مذهب و فقیه بود.
- حتی اینکه در باره بعضی امام ها گفته شده است که ایشان در مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله بودند مانند: وکیع بن جراح، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه ، یحیی بن معین، یحیی بن سعید قطان، مقاتل بن سلیمان.